

وزارت و وزراء سامانیان

(۳)

وزارت ابوعلی بلعمی

شرح این مبارزات را در امارت همین امیر دیده ایم اما ناگفته نماند که این عمل سرداران توهینی بزرگ و وهنی سنگین برای البتکین بود و بروی گران تمام شد و سر بمصیان و اغتشاش زد .

در زمان امیر منصور بن نوح ابوعلی بلعمی و ابو جعفر عتبی بتناوب بوزارت رسیدند و این همکاری تا سال ۳۶۳ که سال مرگ بلعمی (اگر راست باشد) بقول زین الاخبار گردیزی است ؟ ادامه داشت و در همین سال فوق بلعمی بقول گردیزی در گذشت؟ و ابو جعفر عتبی که همکار وزیر بود تا سال ۳۶۵ بوزارت بوده و در این سال معزول گردیده و جیهانی نوه جیهانی بزرگ را به وزارت برگزیدند .

وزارت بلعمی در زمان نوح بن منصور محل تأمل است چه اگر بقول گردیزی وی در سال ۳۶۳ یعنی زمان حکومت منصور بن نوح برادر عبدالملک بن نوح مرده باشد دیگر وزارت وی در زمان نوح بن منصور درست نخواهد بود .

اما نکته قابل توجه اینست که علامه محمد قزوینی در حواشی ۴ مقاله عروسی صفحه ۹۸ نویسد که وفات بلعمی در سال ۳۸۶ رخ داده است. یعنی یکسال مانده بانجام و انقراض حکومت ابوالقاسم نوح بن منصور (۳۶۶-۳۸۷) - (انقراض سیاسی).

تحقیق در سال فوت ابوعلی بلعمی در اینجا چند نکته محل تأمل است. اول اینکه اگر سال فوت بلعمی ۳۶۳ باشد با قول عقیلی در آثار الوزراء مبنایت و مخالفت دارد. عقیلی مینویسد که ابوعلی محمد بلعمی در سال ۳۶۵ منصب وزارت یافت و نهایت فاضل و کامل بود اما بسال مرگ وی اشاره نمیکند. تردیدی نیست اگر سال مرگ بلعمی را ۳۸۶ بدانیم وزارت وی بعد از عزل ابوعلی دامغانی از آن شغل و کار میباشد و احتمال دارد در حوالی سالهای ۳۸۲ تا ۳۸۴ بوزارت رسیده باشد.

و آنچه خواندمیر در دستور الوزراء درباره وزارت مجدد ابوعلی بلعمی آورده مشوش است. چه در آن نوشته سال عزل دامغانی معلوم نیست.

از طرفی درین دوران پراغتشاش و غوغا وزراء که زود عوض میشدند و جای ید دیگری میدادند قدرت در دست سرداران و سپهسالاران بود و برای ایشان نفوذی نمانده بود.

نکته ای در اینجا محل تأمل بسیار است این که عبدالله محمد بن عزیز دوبار در زمان همین ابوالقاسم نوح بن منصور بوزارت رسیده یکبار بعد از قتل عتبی و بار دیگر بعد از عزل عبدالرحمن فارسی که بقول میرخان بعد از مزنی وزارت یافت.

و اگر ابوعلی دامغانی بوزارت رسیده بعد از عزل دوم عبدالله عزیزی میباشد و بعد از ابوعلی دامغانی ممکن است بلعمی به وزارت نشسته باشد.

و این احتمال که بعد از عزل اول عبدالله بن محمد بن عزیز ابوعلی بوزارت رسیده باشد درست نیست چه خواند میر صریحاً مینویسد بعد از شهادت عتبی ابوالحسین مزنی بوزارت رسید و این عتبی هم در سال ۳۷۲ کشته شد.

چنانکه در مقدمه ذکر شد بررسی شرح حال وزیران آنان که در دوران امیران سامانی منصب یافته اند ذکر میشود. مثلاً وزیری مانند بلعمی در زمان چندین امیروزارت داشته بنابراین بتمام وزارتها اشاره شده است و دیگر اینکه بی مناسب نیست کمی هم درباره کارهای علمی و ادبی بلعمی سخن رود که مقامی بس بزرگ از خودنهاده است.

۱- ترجمه تاریخ طبری:

یکی از کارهای بسیار ارجدار بلعمی که در زمان امارت منصور بن نوح انجام گرفته ترجمه تاریخ طبری است. آغاز ترجمه این کتاب سال ۳۵۲ و ممکن است تا سال ۳۵۵ این کتاب را به پایان برده باشد.

درباره عظمت کاری که بلعمی بدان دست یازیده است هرچه سخن رود بگزاره نرفته است و گذشته از آن کتاب طبری تا حوادث ۳۱۰ را دارد. وی رویدادها و حوادث بعد از آنرا بر آن اضافه کرد. و در ابتدای کتاب هم فصلی راجع به تاریخ عمومی عالم افزود و خود بلعمی در این باره گوید:

بدانکه این تاریخ نامه بزرگ است گرد آورنده ابن جعفر محمد بن جریر طبری رحمت اله که ملک خراسان ابوصاح منصور بن نوح فرمان داد دستور خویش را ابوعلی محمد بن ابیلمعیرا که این تاریخ نامه که از آن پسر جریر است پاریسی گردان هرچه نیکوتر بود. چنانکه اندر وی نقصانی نباشد. پس گوید چون اندر وی نگاه کردم و بدیدم اندر وی علمهای بسیار و حجت و آیتهای قرآن و شعرهای نیکو و اندروی فایدهها دیدم بسیار. پس رنج بردم و جهد و ستم بر خویش نهادم و این را پاریسی گردانیدم بنیروی ایزد

عزوجل.

این کتاب از نظر ترجمه اهمیت و مقام علمی و بلعمی را می‌رساند که تا چه حد در زبان عربی دست داشته و تا چه اندازه مسلط بر ادبیات عرب و فارسی بوده است و کتاب دیگری هم که در زمان این وزیر با احتمال زیاد همچنین در زمان امیری منصور بن نوح ترجمه گردیده تفسیر طبری است که توسط چند نفر از علمای ماوراءالنهر ترجمه گردیده است.

۲- ترجمه تفسیر طبری:

در مقدمه ترجمه تفسیر طبری کیفیت آوردن این کتاب و مشورت منصور بن نوح با فقیهان و علماء درباره اینکه ترجمه قرآن به فارسی رواست یا نه، به تفصیل یاد شده و هر که نیاز دارد بدان دست یازد.

استاد دکتر غلامحسین صدیقی در مقاله بعضی از کهن‌ترین آثار نشر پارسی درباره این کتاب مینویسد: « این کتاب نگاشته جمعی از علمای ماوراءالنهر در روزگار امیر ابوالحجاج منصور بن نوح سامانی نام مترجمان این کتاب و تاریخ ترجمه آن و وزیری که در زمان او این کار انجام یافته معلوم نیست و در عهد منصور دو وزیر بقناوب وزارت میکرد. یکی ابوعلی محمد بن محمد بلعمی و دیگری ابو جعفر احمد بن حسین عتبی و احتمال میرود که ترجمه در وزارت ابوعلی بلعمی که مترجم تاریخ طبری نیز هست صورت گرفته باشد. بهر حال ترجمه تاریخ طبری که بنام تاریخ بلعمی معروف شده نهایت علاقه این وزیر دانشمندان بزبان فارسی نشان میدهد و خدمتی گران در حق آن زبان نموده و با حیای آن کوشیده است.

اهمیت خاندان بلعمی در تاریخ و ادب ایران

یکی از خصوصیات بزرگ بلعمیان و خصوصاً ابوعلی محمد بلعمی پرورش و انتشار زبان فارسی بوده است و ایشان نخستین وزرای ایرانی بودند که این سیاست بزرگ را پیشه ساخته‌اند و بی‌جهت نیست دو وزیر دیگر بعد از اینها پیروی نمودند یکی ابوالعباس احمد اسفراینی در زمان سلطان محمود غزنوی

و دیگری عمیدالملک کندری .

ابوالفضل بلعمی و ابوعلی بلعمی در زمان وزارت خویش همواره زبان فارسیرا بر زبان تازی برتری گذاشته‌اند و تا توانسته‌اند کوشیده‌اند که زبان فارسی انتشار یابد و این نکته که زنده نگاهداشتن ایران ورهائیدن کشور از خطر تازی شدن و از میان رفتن استقلال ایران اهمیت بسیار دارد و در رأس همه جنبش‌ها و نهضت‌های ایران است چیزی است که خاندان بلعمیان بنای نهاده‌اند. و رسمی است که ایشان در روزی و کشورداری پدید آورده‌اند. تردید نیست مبارزه مسالمت‌آمیز با زبان تازی با ترجمه تاریخ طبری و همچنین تفسیر طبری نهایت درایت و ذکاوت این امیر اندیشمند و دانشمند را میرساند. عصری که زبان عربی به جبر یا به صبر زمینه نفوذ را گسترش میداد و علما کتاب بدان زبان مینوشتند کار بلعمی شایان اهمیت است و نکته‌ای را هم باید در باره خاندان بلعمی افزود و آن ابهت و شوکت و جلالت ایشان است در آن زمان و بیجهت نیست که کسانی شاعر آنانرا با سامانیان برابردانسته است :

برفت دولت سامانیان و بلعمیان

چنین بود چنین تا بهاء و سامان بود

گزینۀ منابع تحقیق و مطالعه در باره خاندان بلعمی :

در باره خاندان بلعمی و خصوصاً ابوعلی بلعمی سخن هر چه بقلم آید کم است و در کتاب‌های زیادی از آنها سخن رفته است. از آنجمله تاریخ بخارای نرشخی و زین الاخبار گردیزی چاپ برلین و تاریخ یمینی بتصحیح قویم و طبقات ناصری قاضی منهاج السراج به تصحیح عبدالحی حبیبی و مجمل التواریخ و القصص تصحیح بهار و همچنین سبک شناسی بهار و مقدمه ترجمه طبری بقلم دکتر جواد مشکور و تاریخ ادبیات برون جلد اول و تاریخ ادبیات ایران دکتر صفا و الذریبه حاج آقا بزرگه تهرانی جلد ۲ و جلد ۴ و ریحانة الادب جلد اول و آثار الوزراء عقیلی تصحیح محدث چاپ دانشگاه تهران و دستور الوزراء خوانند میر و لغت نامه دهخدا و غیره ...
